

دو فصلنامه علمی - پژوهشی
حدیث پژوهی
دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان
سال اول / شماره ۲ / پاییز و زمستان ۱۳۸۸



بررسی احادیث تقيه از ديدگاه مجلسی اول

حجه الاسلام والمسلمین محمدعلی مهدوی راد / استادیار دانشگاه تهران، پردیس قم

محمد هادی امين ناجي / دانشجوی دکتری دانشگاه قم



◀ چکیده

تقيه، موضوعی است که در آيات قرآن و سنت معصومان(ع) ريشه دارد و در فهم محتوا و هدف کلام ائمه معصومین(ع) مؤثر است.

محمد تقى مجلسی، ضرورت تقيه را افزون بر ادلۀ قرآن و حدیث، از طریق قاعدة حفظ حرمت مسلمان نیز اثبات نموده است. او بین تقيه و اتفاق تفاوت می‌گذارد زیرا بخشی از احادیث با هدف اتفاق صادر شده است و نه تقيه.

وی درجات فهم مردم را در تقيه مؤثر و آن را از راه نشانه‌های سندی و محتوایی، قابل تشخیص می‌داند و در نشانه‌های سندی به مواردی چون انتساب حدیث به امام پیشین و حضور راوی عامی اشاره می‌نماید. مجلسی نشانه‌های محتوایی را در قالب مواردی نظری تعارض حدیث با خبر متواتر، اضطراب و تشویش متن، وجود قراین دال بر مشابهت با روایات عامه مبتنی کرده است. او در بحث وجوب تقيه، دو شرط اضطراب و مقتضیات مخاطب را مورد تأکید قرار داده است.

◀ کلیدواژه‌ها

محمد تقى مجلسی، تقيه، اتفاق، راوی عامی، تعارض حدیث، قراین سندی و محتوایی حدیث.

مقدمه

تقطیع از جمله موضوعات مهم فقهی، اجتماعی و سیاسی مطرح از سوی فقهاء، مفسران و محدثان فریقین است. این موضوع برخلاف نظر برخی از عالمان اهل سنت و یزدگردیه از جریان فکری تشیع نبوده و تمامی فرق اسلامی به گونه‌ای آن را پذیرفته‌اند. برخی از عالمان به درستی تأکید کرده‌اند که «تقطیع نه منحصر به شیعه است و نه منحصر به مسلمانان، بلکه یکی از اصول اساسی عقلاست که هرجا اظهار عقیده باعث به هدر رفتن نیروها بدون هیچ‌گونه فایده باشد، از آن خودداری می‌کنند». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۲۵)

چنان‌که اشاره شد، این موضوع در جهان اسلام و در دیدگاه عالمان مسلمان تمام فرقه‌های اسلامی، مجال بحث دارد. (صفری، ۱۳۸۱/ نیز ر.ک: عمیدی، ۱۴۱۶) اما در این مقاله، موضوع تقطیع و محدوده تأثیر آن در فهم روایات از دیدگاه مولا محمد تقی مجلسی مطرح می‌شود.

واژه‌شناسی تقطیع

لغت تقطیع از ریشه «وقیٰ یقیٰ» به معنای مستور ساختن و نقطه مقابل آن «اضاعه» (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۲، ص ۲۴۰) به معنای آشکار کردن است. «وقوی» بر وزن «فعلی» از «وقیت» است که «واو» اول آن به «قاء» تبدیل شده و در صرف واژگان تقوی و تقوی و تقوی و تقاہ باقی مانده است. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۳۸)

واژه «وقیٰ» و «توقیت الشیء» به معنای حذر و خودداری کردن و تقطیع نیز به این معنا است که جمعی برای حفظ و پاسداشت یکدیگر، اظهار صلح و وفاق کنند، در حالی که در درون، مخالف آن‌اند. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۴۰۱)

تقطیع در اصطلاح فقهاء

فقهای عظام برای تقطیع، تعاریف مختلفی ارائه کرده‌اند؛ از جمله شهید اول که تقطیع را «روی خوش داشتن با مردم در باورهای ایشان برای امنیت جانی، و نپرداختن به

بررسی احادیث تقيه از دیدگاه مجلسی اول ۹

آنچه بدان باور ندارند، برای دوری از جار و جنجال‌هایشان» (شهید اول، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۵۵) می‌داند.

پس چون تقيه امری است که کتمان حقیقت، احتمال ضرر دینی یا دنیایی و اظهار زیانی با مخالفت درونی را همراه داشته باشد، آن را این‌گونه تعریف می‌کنیم: تقيه، گفتار و رفتاری بر خلاف اعتقاد و باور حق مؤمنان است که برای حفظ دین و دنیای خود انجامش می‌دهند.

تقيه در قرآن

در آیات قرآن کریم، به موضوع تقيه به طور مستقیم و غیر مستقیم، اشاره شده است. برخی از این آیات عبارت‌اند از:

۱. «لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقَوْا مِنْهُمْ تُقَاتَةً وَيُحَدِّرُكُمُ اللَّهُ تَفْسِيرَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ»^۱ (آل عمران: ۲۸) شاهد ادعا در این آیه، استثنای «إِلَّا أَنْ تَتَّقَوْا مِنْهُمْ تُقَاتَةً» است، زیرا عالمان مسلمان، جمله استثنایه را دال بر تقيه دانسته‌اند.

علی بن ابراهیم قمی آورده است: «این آیه، اذنی است که ظاهرش بر خلاف باطن آن است و بر طبق ظاهرش عمل می‌شود و نه بر اساس باطن مگر هنگام تقيه، زیرا تقيه اجازه‌ای است به مؤمن تا وقتی کافری^۲ را می‌بیند، مانند او نماز و روزه به پا دارد. در واقع، به ظاهر تقيه می‌کند، ولی در درون، بر خلاف آن، به دین خدادست.» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۰۰)

محمد تقی مجلسی نیز در تفسیر این آیه معتقد است که «در قرآن مجید، برای سبّ خدا و رسول، رخصت تقيه داده شده است.» (مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۴۵۱)

۲. «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مِنْ أَكْرَهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌ بِالْإِيمَانِ وَ لَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفُرِ صَدِرَ أَفْعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نحل: ۱۰۶)

۱. مؤمنان نباید کافران را - به جای مؤمنان - به دوستی بگیرند و هر که چنین کند، در هیچ چیز [او را] از [دوستی] خدا [بهره‌ای] نیست، مگر اینکه از آنان به نوعی تقيه کنید و خداوند، شما را از [عقوبت] خود می‌ترساند، و بازگشت [همه] به سوی خدادست.

۲. در متون روایی شیعه هر گاه سخن از کافر به میان می‌آید، احتمال دارد مراد، غیر مسلمان و یا غیر شیعه باشد.

عبارت «إِلَّا مِنْ أُكْرَهٖ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌ بِالْإِيمَانِ» مورد استناد برای صحت و جواز تقيه است. طبری (بی‌تا، ج ۱۴، ص ۱۲۲)، شأن نزول این آیه را عمار بن یاسر دانسته است. عیاشی نیز به نقل از امام صادق(ع)، شأن نزول آیه را عمار بن یاسر می‌داند و می‌گوید: «به خدا قسم، میش از تقيه منع نشده بود و به خدا سوگند، می‌دانست که آیه إِلَّا مِنْ أُكْرَهٖ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌ بِالْإِيمَانِ در حق عمار و یارانش نازل شده است.» (۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۲۷۱)

۳. «وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتَلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ» (غافر: ۲۸)

این آیه و آیات پیشین آن، به قضایای بنی اسرائیل و مؤمن آل فرعون اختصاص دارد و عبارت «یکتم إیمانه» برای اثبات جواز تقيه در قرآن به کار می‌رود. مفسران در تفسیر این آیه، کیستی مؤمن آل فرعون را مورد بحث قرار داده‌اند، اما آنچه در این مقاله اهمیت دارد، گزارش قرآن از شرایط ایمان و احوال اوست. زیرا مؤمن آل فرعون، با آنکه در دربار فرعون، از مقربان و صاحب شأن و مقام بود، به خدای واحد ایمان داشت و آن را از فرعون مخفی می‌کرد.

مفسران، کتمان ایمان مؤمن آل فرعون را از باب تقيه و آن را مجاز دانسته‌اند.
- عبدالکریم خطیب، مفسر معاصر می‌نویسد: «مخفى کردن ایمان در این مورد به علت ضعف یا ترس نبود... از سر سیاستی حکیمانه و تدبیری محکم بود.» (بی‌تا، ج ۱۲، ص ۱۲۲۶)

- علامه طباطبایی نیز معتقد است: «مؤمن آل فرعون، مؤمنی قبطی و از خصیصان فرعون بود که فرعونیان از ایمان او بی‌خبر بودند و آن هم از باب تقيه بوده است.» (۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۳۲۸)

نتیجه تأمل در این آیات قرآن عبارت است از:

۱. تقيه، موضوعی عقلانی است که هنگام قدرت دشمن و مخاطره‌آمیز بودن وضعیت مسلمانان مورد تأیید قرآن کریم است.
۲. علاوه بر مسلمانان، پیروان سایر ادیان نیز تقيه کرده‌اند.

بررسی احادیث تقيه از دیدگاه مجلسی اول ۱۱

حفظ حرمت مسلمان و ضرورت تقيه از دیدگاه مجلسی

عالمان مسلمان برای اثبات ضرورت تقيه، دلایلی از آیات قرآن، سنت، عقل و اجماع (عمیدی، ۱۴۱۶، ص ۹۲) مطرح کرده‌اند، اما علامه مجلسی افزوون بر این موارد، مؤمن را در پیشگاه خدای تعالی عزیز می‌داند و در صورت احتمال ضرر، انجام برعی از کارها را جایز نمی‌داند. (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۳، ص ۱۰۳)

تفاوت تقيه و اتقا

مجلسی بین دو اصطلاح تقيه و اتقا تمایز قابل شده است، زیرا اخبار، اکثر اوقات ناظر به اتفايند نه به تقيه، اما بيشتر اصحاب، ميان اين دو تفاوتی نگذاشته‌اند و فهم روایات برای آن‌ها مشکل شده است. (همو، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۲۰)

تقيه به معنای رعایت احتیاط برای حفظ جان و مال خود و اتقا یعنی رعایت احتیاط برای محافظت از جان و مال دیگران است. مجلسی، مصاديق تقيه و اتقا را به شرح زير بيان می‌کند:

الف. اتقا و مصاديق آن میان آثار معصومین(ع)

۱. پاسخ به نامه‌ها

ائمه(ع) در مکاتبات خود برای حفظ جان یاران خویش، جانب احتیاط را رعایت می‌کردند. یکی از نمونه‌های قابل توجه، سؤال از موضوع سجده است: «... عریضه به خدمت آن حضرت صلوات الله عليه نوشتم و از سجده بر پنه و کتان بی‌آنکه پای تقيه و ضرورتی در کار باشد، پرسیدم. حضرت فرمودند، جایز است.» (همان، ج ۳، ص ۴۴۹)

مجلسی در شرح این حدیث، پس از توضیح خطرات مکاتبات زمان ائمه(ع)، درباره تقيه و اتقا می‌نویسد: «بسیار است که در وقت جواب، تقيه نیست و حضرات ائمه هدی صلوات الله عليهم، رعایت حال ایشان می‌فرمایند که به ایشان ضرر نرسد.» (همانجا)

۲. سؤال از اوقات نماز

موضوع زمان برپاداشتن نماز صبح و مغرب از جمله موضوعات اختلافی میان مسلمانان است. علاوه بر این، اهل سنت به بهانه زمان اقامه نماز، شیعیان را آزار

۱۲ □ دو فصلنامه حدیث‌پژوهی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸

می‌دادند، اما نسبت به دیگران در این باره حساسیتی نداشتند. لذا امامان(ع) نیز در پاسخ سینیان به این موضوع، اجازه اقامه نماز در وقت طلوع و غروب را داده، لیکن برای شیعیان چنین اجازه‌ای را نداده‌اند، زیرا به نظر مجلسی، شیعیان را آزار می‌دادند و با دیگران کاری نداشتند. (همان، ج، ۵، ص ۲۲۰)

۳. ازدواج موقت

علامه مجلسی بر خلاف نظر برخی از دانشمندان که متعه را به بهانه برخی از منابع روایی، از جمله چهار ازدواج دائمی قرار داده‌اند و آن را از باب تقيه شمرده، می‌گوید: «موضوع در حضور شیخ بهایی مطرح شد و من گفتم منظور عالمان از تقيه، اتقا است و او نیز سخن من را تأیید کرد.» (همان‌جا)

ب. تقيه و مصادقی برای آن

افطار یوم الشک از جمله موارد دارای اهمیت سیاسی برای حاکمان مسلمان بوده است و همراهی شیعیان با وقت رسمی اعلام شده از سوی خلیفه، بر نوعی پذیرش نظام حاکم دلالت داشت، لذا امام صادق(ع) با لحاظ این حساسیت، برای تحریض شیعه به تقيه، خود نیز روزه یوم الشک را افطار می‌کردند و برای جلوگیری شیعه از سهل‌انگاری در موضوع تقيه، می‌فرمودند: «روزه یک روز از ماه رمضان را خوردن، بهتر از قتل معصومی است که عالم به وجود او برباست ...» (همان، ج، ۶، ص ۴۵۱) پس موضوع تقيه در خصوص حفظ خود گوینده، ولی اتقا درباره حفظ جان دیگران است. بنابراین لازم است هنگام ملاحظه احادیث امامان(ع)، بین تقيه و اتقا تفاوت گذاشته شود تا موجب خطای در فهم نگردد.

درجات مردم و تقيه

تقيه در میان اقسام مختلف مردم، جایگاه و نسبت یکسانی ندارد، بلکه به تناسب فهم و آگاهی آن‌ها از معارف دینی، متفاوت است.

برای نمونه، فقهاء و عالمان شیعی می‌دانند که شهادت سوم در اذان از اركان اذان نبوده، و ذکر آن را به نیت قربت جایز دانسته‌اند، ولی چون در میان مردم رواج یافته است و اگر کسی آن را ترک نماید، متهم به تسنن می‌شود، لازم است در هنگام اذان گفته شود.

بورسی احادیث تقيه از دیدگاه مجلسی اول □ ۱۳

مجلسی با علم به این موضوع، ضمن رعایت شرایط محیطی و اجتماعی، تصریح دارد که باید مراتب علمی و اعتقادی مردم و مخاطبین را رعایت نمود. او پس از اقرار به حقانیت علی(ع) و تصریح به رعایت نص در اذان می‌نویسد: «اگر نگویند بهتر است مگر از روی تقيه، چون در اکثر بلاد شایع است و بسیار شنیدهایم که جمعی ترک کرده‌اند و متهم به تسنن شده‌اند.» (همان، ج، ۳، ص ۵۶۶) پس درجات علمی مخاطبان در عمل به یک حکم توسط گروه دیگری از مردم، تأثیرگذار است.

نشانه‌های تقيه در حدیث

مجلسی برای شناخت احادیث مشتمل بر تقيه، گاهی به سند و گاهی به متن آن‌ها اعتمنا نموده و برای هریک، نشانه‌ها و نمونه‌هایی را به شرح زیر ارائه کرده است:

۱. نشانه‌های تقيه در سند

انتساب حدیث به امام قبلی و حضور راویان عامی یا ضعیف در سند احادیث، از راههای شناخت احادیث تقيه‌ای بر اساس سند است.

۱-۱. انتساب حدیث به امام پیش از خود

کلام امامان(ع) موجب هدایت است و از منبعی واحد سرچشمه گرفته است؛ حال اگر کلامی از ائمه(ع) با روح کلی احادیث آنان متفاوت بوده و به امام پیشین منتسب شده باشد، حاکی از تقيه است.

امام صادق(ع) در موضوع سهم امام و خمس که به پدرشان نسبت داده‌اند، در حدیثی چنین فرموده‌اند:

«پدرم علیه السلام این گونه می‌فرمود و برای ما در این مال جز دو سهم چیزی نیست، سهم رسول(ص) و سهم خویشاوندان، پس ما شریک مردم در باقیمانده هستیم.» (همو، ۱۴۱۰ق، ج، ۳، ص ۱۳۷)

مجلسی پس از نقل حدیث بالا نوشته است: «ظاهرًا ورود این حکم به دلیل قرینه انتساب به پدر امام(ع) حاکی از تقيه است.» (همانجا)

۲-۱. حضور راوی عامی مذهب در سلسله سند

عالمان متأخر شیعی یکی از شرایط صحت خبر را امامی بودن همه راویان

دانسته، به افراد عامی مذهب با نگاه نقادانه می‌نگرند. غیاث بن ابراهیم از راویان دو روایتی است که در خصوص شهادت زنان از امام علی بن ابی طالب(ع) نقل شده و هر دو روایت شبیه به هماند. یکی از آن‌ها چنین است:

«از غیاث بن ابراهیم، از جعفر بن محمد، از پدرش، از علی(ع) گزارش شده است: "گواهی زنان در حدود و قصاص جایز نیست." مجلسی هر دو حدیث را به دلیل قرینه حضور راوی عامی مذهب، دال بر تقيه دانسته و نتیجه می‌گیرد که به علت حضور راویان عامه، سخن امام(ع) به شکل استفهام انکاری بیان شده است.

(همان، ج ۶، ص ۱۴۲)

۲. نشانه‌های تقيه در متن و محتوای حدیث

عالمان شیعی در بررسی موضوع تقيه در کلام امامان(ع)، ضمن توجه به ابعاد سندي، به نشانه‌های متنی و محتوایی توجه بیشتری کرده‌اند. برخی از مصاديق نشانه‌های محتوایی در آثار مجلسی عبارت‌اند از:

۱-۲. امر به سکوت

در برخی احادیث مشاهده می‌شود که معصوم(ع) دستور فرموده از سخن گفتن پرهیز کن یا هر آنچه می‌دانی، بازگو نکن. مجلسی در شرح این سخن معصوم(ع) «بل لا تقل كل ما تعلم» (بلکه هر آنچه را می‌دانی نگوی)، می‌نویسد: «از آنجا که این جمله، تقيه را در جایگاه‌های خود واجب می‌سازد، یا به سبب اينکه غير از معصوم(ع) به حق و حقیقت آگاهی ندارند، پس سکوت در بیشتر جایگاه‌ها بهتر است.» (مجلسی، ج ۵، ص ۵۲۸، ۱۴۱۰ق)

۲-۲. قیاس در حدیث

یکی از منابع فقه اهل سنت، قیاس است که اهل بیت(ع) به شدت با آن مخالفت کرده و آن را از جمله کارهایی دانسته‌اند که توسط شیطان ابداع شده است. حدیث زیر از جمله مواردی است که به علت شباهت با اهل سنت، تقيه به حساب آمده، پذیرفته نمی‌شود. در روایتی وارد شده است که «کافور را در دهن و گوش‌ها و چشم و سر و ریش مرده بریز و بمال و همچنین مشک را بر سینه و فرج او بریز و

بررسی احادیث تقيه از دیدگاه مجلسی اول □ ۱۵

مرد و زن در این کار مساوی‌اند ... و اظهر آن است که این امر را حمل بر تقيه کنند، زیرا که عame بر اين‌اند که چنین می‌باید کرد، چون کافور، اعضا را به هم می‌آورد، انساب اين است که در اينجاها بگذارند تا از اينجا چيزی بيرون نيايد و اين غلط است، زيرا که از چشم و گوش متعارف نيشت که چيزی بيرون آيد؛ پس قياس ايشان به مواضعی ديگر، باطل است و مع الفارق، زيرا که علت احکام مخفی است.»
(همو، ۱۳۷۶ش، ج ۲، ص ۲۵۷)

۳-۲. تعارض حديث با آيه محكم یا خبر متواتر

وجود اخبار متعارض و تلاش برای برطرف کردن آن‌ها، کاري پيچده و ظريف است. علامه مجلسی به عنوان شارح حدیث، تلقی تقيه را يکی از راه حل‌ها دانسته، معتقد است که این اخبار باید با احادیث متواتر و محکم در تعارض نباشد. (البته او تقيه را حتى در برخی از احادیث که به مرز توادر هم رسیده باشد، نفي نمی‌کند). برای نمونه درباره سهو النبي، پس از طرح مطالب شیخ صدوق می‌نویسد: «هر چند سهو در احادیث بسیار واقع شده است، لیکن آنچه به ما رسیده به مرتبه توادر نرسیده است و بر تقدیر توادر، ممکن است که محمول بر تقيه باشد با آنکه حدیث معارض نیز دارد.»
(همان، ج ۴، ص ۳۰۳) یا در شرح حدیث متواتر غسل زیارت می‌نویسد: «از غسل زیارت سؤال کردند که آیا زیارت غسل دارد؟ فرمودند که نه و محمول است بر تقيه یا نفي وجوب، چون غسل زیارت متواتر است.»
(همان، ج ۸، ص ۵۴۰)
همچنین وی درباره حدیث مخالف با قرآن درباره سهام خمس نوشته است: «در اينجا سهم پیامبر اسلام(ص) ذکر نشده و ظاهر اين است که به علت تقيه است.»
(همو، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۱۷) و در ادامه می‌نویسد: «مؤيد تقيه است زира هنگامی که پیامبر(ص) سهم خدا را دریافت می‌کند، چگونه است که سهم خویش را نمی‌گيرد؟»
(همان‌جا)

۴-۲. ابهام در حدیث

سنن، مفسر قرآن و در پی تبيين نکات دقیق معارف الهی و احکام عملی و در نتيجه، لازم است واضح و صريح باشد و باید پژوهشگر در کلام اهل بیت(ع)، عالمانه در پی رفع کرتابی‌ها و گره‌های معنوی آن برآید.

بنابراین، هرگاه حدیثی مبهم باشد، باید علت آن را یافت. این ابهام معمولاً به سه شکل کلی‌گویی، طرح چند دیدگاه مختلف و ذکر وجوه گوناگون به شرح زیر می‌باشد:

۴-۱. کلی‌گویی در حدیث

سخنی که امکان برداشت‌های مختلف را داشته باشد، کلامی مبهم است. مجلسی در شرح حدیثی که از امام رضا(ع) درباره پاشیدن دارو در چشم روزه‌دار پرسیدند، و ایشان فرمودند: «هر گاه افطار کند، دارو را بپاشند.» (همان، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۳۷۰) می‌نویسد: «عامه در مرض و سفر روزه می‌گیرند. اکثر این سوال‌ها از آن حضرت در خراسان می‌شد و همیشه مجلس آن حضرت پر بود از علمای اهل سنت. حضرت به عنوانی جواب می‌فرمایند که سنیان موافق مذهب خود و شیعیان موافق مذهب ائمه‌هی صلوات الله علیهم بفهمند.» (همان، ج ۶، ص ۳۷۱)

پس امام(ع) به گونه‌ای پاسخ داده‌اند که مخاطب شیعه و سنی متناسب با عقیده خود برداشت نماید، یعنی شیعه که در مرض و سفر مفطر است، می‌تواند همان زمان دارو را در چشم بپاشد و سنی که در بیماری و سفر صائم است، پس از غروب دارو را استعمال نماید.

۴-۲. دیدگاه‌های مختلف

ذکر دیدگاه‌های مختلف درباره موضوع مورد بحث، حاکی از نوعی ابهام و عدم صراحت در کلام امام(ع) و به باور مجلسی، چنین حالتی، نشانگر آن است که امکان بیان نظر صریح برای امام(ع) وجود نداشته است. لذا گوینده، نظر خود را در کتاب نظرات دیگران مطرح کرده و این نشانه تقویه است.

امام صادق(ع) فرمودند: «مقدار قبر تا استخوان گردن (ترقوه) است و برخی از آنان (اهل سنت) گفته‌اند تا سینه و برخی دیگر گفته‌اند به اندازه قد مرد است تا جایی که لباس را بر سر مرده بکشند و اما لحد را به اندازه نشستن در آن بزرگ می‌کنند.» (همان، ج ۲، ص ۴۰۳)

مجلسی در ادامه، در شرح این حدیث می‌نویسد: «این نحو کلام، وقتی از ایشان

بررسی احادیث تقيه از دیدگاه مجلسی اول ۱۷

صادر می شود که سنی حاضر باشد چنان که اکثر اوقات جمعی کثیر از سنیان، به بهانه شنیدن حدیث در مجلس ایشان بوده‌اند.» (همان، ج ۲، ص ۴۰۳)

۲-۳. بر زبان آوردن سخن دو پهلو

برخی از موقع، متکلم در سخن خود با آوردن ضمیر، به نحوی سخن می‌گوید که در عین آنکه امکان ارجاع ضمیر به نزدیک‌ترین مرجع هست، می‌توان آن را به مراجع دیگر پیشین نیز بازگرداند. بنا بر عقیده مجلسی، اقتضای تقيه آن است که به عبارت‌های دو وجهی سخن گفته شود. (همو، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۵)

مشروح این سخن و کلام معصوم(ع) به شرح زیر در مورد نصاب زکات شتر و گوسفند است، زیرا نصاب شتر هنگامی که از میزان معینی می‌گذرد، وضعیت تغییر کرده و به دندان‌های شتر ارجاع می‌شود. حال سؤال این است که آیا این ارجاع، شترهای جذعه و بنت لبون و حقه را در بر می‌گیرد، یا تنها بنت لبون و حقه را؟ امام(ع) به گونه‌ای سخن گفته‌اند که هر سه دسته شتر را در بر می‌گیرد و این مقتضای تقيه است: «وقتی به ۱۲۰ شتر رسید، زکات آن دو شتر حقه طرفة الفحل و اگر بیش از ۱۲۰ شتر، در هر ۵۰ شتر، یک حقه و در هر ۴۰ شتر، یک بنت لبون است. سپس به دندان‌های شتر ارجاع داده می‌شود.» (همان‌جا)

مجلسی می‌نویسد: «سخن امام(ع) (ثم ترجع الإبل على أسنانها) مؤید تقيه است، زیرا ظاهراً حد نصاب به مذهب برخی عامه بازگشته، اگرچه می‌توان آن را بر بنت لبون و حقه بازگرداند تا به جذعه بالاتر نرسد و همین هم مراد واقعی امام است، مقتضای تقيه، سخن گفتن چند وجهی است.» (همان، ص ۵۶)

۵-۲. اضطراب و تشویش متن

کلام اهل بیت(ع) همراه با صلابت، استواری و هماهنگی است ولی اگر در سخن یا سخنان منسوب به آنان، مفاهیمی حاکی از پریشانی و اضطراب دیده شود، لازم است به وجهی شایسته تبیین گردد. به همین دلیل، علامه مجلسی کلامی را که دارای اضطراب و تشویش باشد، نمادی از تقيه دانسته است. وی نقل می‌کند:

«از دو امام همام، امام باقر و صادق(ع) سؤال می‌شود که ما لباس‌هایی را از غیر

مسلمانان خریداری می‌کنیم که با فندگان آنها، هنگام باقتن و دوختن، شراب نوشیده یا گوشت خوک خورده‌اند و دست آنان به چنین نجاستی آلوده بوده و ممکن است به وسایل بافندگی و دوزندگی و کالاها نیز رسیده باشد. آیا قبل از شستشوی چنین کالاهایی با آنها نماز بگزاریم یا نه؟

امام(ع) می‌فرمایند: "بله اشکالی ندارد، زیرا خدای تعالی، خوردن و آشامیدن آنها را حرام کرده است، ولی پوشیدن، دست زدن و نماز گزاردن در آن را حرام نکرده است." (همو، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۳۲۳)

علامه مجلسی در شرح این حدیث معتقد است که ظاهرش با حدیث صحیح دیگر که دلالت بر نجاست دوچنان خوک دارد، در تعارض است. در نتیجه، این حدیث را دال بر عدم آگاهی یهود و نصاری نسبت به نجاست خوک و شراب دانسته، زیرا آنان همیشه با خوک و شراب مرتبط‌اند و آخر حدیث را به معنای عدم منع اقامه نماز در چنان البسه‌ای دانسته است. نکته دیگر اینکه بیشتر عame گوشت و چربی خوک را پاک می‌دانند و این موضوع، خود موجب تقهی است. بنابراین، متن حدیث مشوش شده است. (همان، ج ۳، ص ۳۲۴)

پس احادیثی که متن آنها مشوش، هماهنگ با عقاید عامه و در تعارض با احادیث صحیح دیگر باشد، مضطرب بوده، از باب تقهی وارد شده است.

۶-۲. حدیث دارای استفهام انکاری

هر گاه لحن متکلم از استفهام انکاری حکایت کند، محتمل است که پاسخ سؤال را بداند ولی چون با دیدگاهش هماهنگ نیست و مصالحی وجود دارد، مطلب را به شکل استفهام انکاری بیان کند. مصادیق زیر حاکی از استفهام انکاری و نشانه تقهی است.

۶-۲-۱. تکبیرهای پنج گانه بر پیکر ابراهیم

مجلسی، حدیث ذکر پنج تکبیر بر جنازه ابراهیم، فرزند پیامبر اکرم(ص) را که از امام محمد باقر(ع) نقل شده است، غریب و به فرض صحت، دارای استفهام انکاری دانسته و نوشته است: «ممکن است بر تقدیر صحت که تقهی فرموده باشند به عنوان استفهام انکاری، یعنی شما سینان چنین می‌گویید و غلط است و این نحو از تقهی، بسیار است.» (همان، ج ۲، ص ۳۷۵)

بررسی احادیث تقيه از دیدگاه مجلسی اول □ ۱۹

۲-۶-۲. شهادت زنان در حدود و قصاص

گواهی زنان از جمله مصاديق اين بحث است. مجلسی پس از نقل سخن امام على(ع) که فرمودند: «شهادت زنان در حدود و قصاص پذيرفته نیست» (همو، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۱۴۲)، می‌نويسد: «مورد بحث (احادیث) با قرینهٔ دو راوي پایانی، محمول بر تقيه و به دليل عامي بودن راویانش، دارای استفهام انکاري است.» (همانجا)

۷-۲. وجود قرینهٔ دال بر مشابهت با عame

تفاوت منابع فقه شيعه و اهل سنت و ادلاء استنباط احكام، موجب تفاوت نتایج يعني فتاویٰ مستنبطةٰ فريقيين است. همان‌طور که در تعريف تقيه بيان شد، فرد تقيه کننده معمولاً خود را با وضعیتی متفاوت با عقیده و روش‌های مذهبی خویش هماهنگ می‌سازد تا جان و مالش از خطر در امان بماند. پس هر فرد شيعه هنگام تقيه، با معیارهای مذهب عامه عمل می‌کند. بنابراین، يكی از ملاک‌های تشخيص تقيه در حدیث، وجود شباهت با احكام و فتاویٰ اهل سنت است، زیرا با وجود چنین قرایینی، احتمال تقيه تقویت می‌شود، مانند:

۱-۷-۲. صحت نماز مرد، رو به روی زن

اقامة نماز مرد، کنار زن يكی از موارد اختلافی است. در اين باره، حدیثی از امام صادق(ع) نقل شده است: «... باکی نیست که زن نماز کند محاذی مردی که نماز کند؛ به درستی که حضرت سید المرسلین صلی الله عليه و آله نماز می‌کردد و عایشه در برابر آن حضرت خوابیده بود بر پهلو و حایض بود و چون حضرت می‌خواستند که سجده کنند، پای او را می‌فسرندند تا پا را بردارد و حضرت سجده کند.» (همو، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۳۱۶)

مجلسی، حمل حدیث را بر تقيه اظهر می‌داند چون اهل سنت، اجازه نماز فرادی و جماعت را در مقابل زن داده‌اند و اين شباهت، احتمال تقيه را تقویت می‌کند. وي آورده است که ظاهر اين حدیث، جواز اقامه نماز در مقابل زن است و در صورتی که يك وجب فاصله باشد يا حايل يا ده ذرع از سه طرف ديگر باشد، می‌توان آن را

۲۰ □ دو فصلنامه حدیث‌پژوهی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸

بر صحت حمل کرد، چنان‌که در اخبار صحیحه گذشت، و البته حمل بر تقيه ظاهرتر است... . (همان‌جا)

۲-۷-۲. خوشبو کردن اموات مانند زندگان

استفاده از خوشبوکننده‌ها برای زنده‌ها، امری پسندیده و مطلوب، اما برای اموات، مذموم دانسته شده است. «حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله نهی فرمودند از آنکه مجرمه از پشت جنازه ببرند. ... از حضرت امام محمد باقر(ع) وارد شده است که آتش نزدیک مردگان خود مبرید یعنی دخنه به عود و امثال آن مکنید». (همان‌جا)

ولی در حدیثی منسوب به امام صادق(ع)، معطر کردن کفن میت با عود مجاز شده است: «باکی نیست بدو کردن به عود کفن میت را و سزاوار آن است که هر کس که قدرت داشته باشد، جام‌های خود را خوشبو سازد به دخنه». (همان، ج ۲، ص ۲۵۴)

دقت در فراز پایانی عبارت امام(ع) «هر کس که قدرت داشته باشد ...» مشخص می‌کند که امام(ع) سخن را به نحوی دو پهلو بیان نموده و در ظاهر، بین مرده و زنده هماهنگی ایجاد کرده است و یا به عبارتی دیگر، شیعیان که اجازه خوشبو ساختن مرده را منحصر در کافور می‌دانند، این عبارت را به زندگان بازمی‌گردانند و اهل سنت که مرده و زنده را یکسان پنداشند، به اموات بازمی‌گردانند. پس در قسمت آخر حدیث، قرینه تقيه ظاهر است، زیرا حال زنده و مرده را مانند سینیان با هم برابر دانسته است. (همان‌جا)

۸-۲. توافق با دیدگاه‌های عموم مردم

امامان در دوران امامت خویش، در پی اصلاح امور و امر به معروف و ارشاد مردم بوده‌اند و هر گاه مردم فرمان‌هایشان را نمی‌پذیرفتند، با روند کلی عموم مردم مخالفت بیشتری نمی‌کردند. بنابراین، لازم است هر حدیث‌پژوه و فقیهی، در مواجهه با احادیث، از مسائل اجتماعی و علایق فرهنگی و دینی مردم عصر معمول آگاه باشد تا بتواند حکم و حقیقت مورد او را دریابد.

بررسی احادیث تقيه از دیدگاه مجلسی اول □ ۲۱

نمای تراویح و عزم امام علی(ع) برای مقابله با آن. از یک سو و مقابله مردم از سویی دیگر، یکی از این مصادیق است: «حضرت، امام حسن(ع) را فرستاد که بدعت است، ترک کنید. همگی فریاد برآوردنده که وا عمراء، حضرت فرمودند که هر چه خواهند، بکنند.» (همان، ج ۲، ص ۳۷۷)

در ادامه حضرت علی(ع) دلیل و انها در مردم را بیان می‌کنند: «اگر من بدعت‌هایی که گذاشته‌اند بر طرف کنم، هر آینه همه از من متفرق خواهند شد مگر قلیلی که مرا شناخته‌اند و فضیلت مرا از کتاب خدا دانسته‌اند.» (همان، ج ۲، ص ۳۷۸) علامه مجلسی، تقيه علی(ع) را در انجام اموری مثل نماز تراویح ممکن می‌داند و می‌نویسد: «پس ممکن است بر تقدیر وقوع که حضرت تقيه فرموده باشد، چون پیش‌تر، آن کسان این بدعت را گذاشته بودند و حضرت از انکار اصحابش، خائف بوده باشد.» (همان جا)

امام صادق(ع) نیز در خصوص امکان تقيه در سخنانی که به قول مردم شباهت دارد، خطاب به زراره می‌فرمایند: «آنچه از من شنیدی و به دیدگاه مردم شباهت داشت، دارای تقيه است و آنچه شباهت نداشت، چنین نیست.» (همو، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۱۴۲)

شرایط تقيه

تعیین شرایط وجوب تقيه از نکات مهم و قابل اعتنای است. مجلسی در این راستا، برای اجرای تقيه دو شرط - شرایط اضطراری و طبقه‌بندی مخاطبان سخن- را مطرح کرده و نقش عمده‌ای در الزام به تقيه برای آن‌ها قائل است. بنابراین، موارد مذبور را به شرح زیر توضیح می‌دهیم:

۱. شرایط اضطراری

وضعیت غیر عادی و برخلاف سیر طبیعی امور، موجب پیش آمدن شرایط اضطراری می‌شود.

مجلسی با ذکر احادیثی مانند «تقيه، سپر مؤمن و حرز و حافظ او است و در هر چه مضطرب شود، در آن تقيه هست و واجب است.» (همان جا) اهمیت و شرایط تقيه

را بیان می‌کند و اضطرار و تقيه را ملازم یکدیگر می‌داند. وی در آثار خود، نمونه‌های زیادی از سنت معصومین(ع) را به عنوان مصاديق اضطرار آورده است که به برخی از آن‌ها در ادامه اشاره می‌نماییم.

۱- روزه یوم الشک

ائمه(ع) برای رعایت احتیاط، یوم الشک را روزه می‌داشتند و این موضوع موجب شده بود که حاكمان عباسی، مردم و شیعیان را مراقبت نمایند تا پیروان اهل بیت(ع) از باورمندان سایر مذاهب، متمایز و زیر نظر باشند.

امام صادق(ع) در مقابله با نقشه حاکمانی چون منصور دوانیقی، به افطار این روزه دستور داده، حتی خود همراه بقیه غذا خورده، فرموده است: «می‌خورم با آنکه می‌دانم که به حسب واقع، از ماه است.» (همو، ۱۳۷۶، ج ۹، ص ۴۵۱) ایشان در ادامه، به موضوع تقيه در سوره آل عمران اشاره دارند که «در سبّ خدا و رسول، رخصت تقيه داده شده است که الا ان تتقوا منهم تقاة.» (همان‌جا)

پس چگونه می‌توان پذیرفت که تقيه هنگام سبّ خدای یگانه و رسول وی، محتمل باشد، اما افطار یوم الشک در شرایط تقيه ممکن نباشد!

۲- سجده بر گلیم و قالی

موضوع سجده، یکی از رفتارهایی است که اهل سنت و حاکمان آن‌ها نسبت به آن حساسیت داشته‌اند، به نحوی که از دیدگاه آنان، یکی از معیارهای تشخیص شیعه از دیگران تلقی شده است، اما امامان بزرگوار شیعه، با دقت کامل این توطئه را بی‌اثر کرده‌اند.

امام کاظم(ع) با عنایت به این موضوع، به علی بن یقطین در مسئله سجده بر فرش می‌فرمایند: «هنگامی که در حال تقيه باشند، اشکالی ندارد.» (همان‌جا) مجلسی، علاوه بر گلیم و فرش، مسئله سجده بر لباس و قیر در کشتی را نیز با ذکر احادیث، مورد بحث قرار داده، استدلال خود را به این تلقی اهل سنت مستند می‌نماید که ایشان علامت تشیع را چیزی می‌دانسته‌اند که بر آن سجده می‌شده است، لذا «حضرات مبالغه فرموده‌اند که بر این‌ها سجده بکنند که مبادا ضریب ایشان رسد.» (همان، ج ۳، ص ۴۶۱)

۱-۳. اوقات نماز

از جمله راههای تشخیص مذاهب فقهی از یکدیگر، چگونگی تعیین اوقات شرعی نماز است. ائمه(ع) با علم به اختلاف مذاهب در این موضوع، از سر دلسوزی برای شیعه، اوقات نماز را به اجمال بیان می‌کردند. و حتی به قول مجلسی، «از باب شفقت بر شیعیان مختلف می‌فرمودند که اظهار نظرات مختلفی صورت گرفته تا مبادا به ایشان ضرری رسد.» (همان، ص ۱۴۲)

۱-۴. نماز جمعه

آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوهَا الْبَيْعَ ذَالِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (جمعه: ۹) مؤمنان را به برپایی نماز جمعه موظف نموده است. اقامه این فریضه از صدر اسلام تا کنون، همواره مورد عنایت بوده و حاکمان جامعه اسلامی که خود را خلیفه رسول خدا(ص) می‌شمردند، حضور مردم را نماد پشتیبانی و بیعت با خود و حتی نشانه حقانیت حاکم جامعه اسلامی می‌دانستند.

بنابراین، در دوران امویان و به ویژه عباسیان، حاکمان توجه داشته‌اند چه کسانی در نماز جمعه حضور دارند و چه کسانی غایباند.

امامان(ع) علاوه بر یادآوری اهمیت نماز جمعه، برای حفظ و حراست پیروان خویش، آنان را به حضور در نماز جمعه حتی با امامت حاکمان غیر عادل نیز دعوت می‌کردند و خود نیز حاضر می‌شدند.

«منقول است از حضرمی که گفت: "عرض نمودم به خدمت حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه که شما در روز جمعه چه می‌کنید؟ حضرت فرمودند که تو چه می‌کنی؟ من عرض ننمودم که نماز را در خانه خود می‌کنم و بعد از آن می‌روم و با ایشان نماز می‌کنم از روی تقيه حضرت فرمودند که من نیز چنین می‌کنم" ...» (همان، ج ۴، ص ۵۱۳)

البته حد و مرز اضطرار تقيه آن است که مستلزم قتل به ناحق نباشد زیرا هرگاه پای کشته شدن مؤمن به میان آید، تقيه‌ای در کار نیست.» (همو، ۱۰۱، ج ۷، ص ۹)

۲. طبقه‌بندی مخاطب سخن

دومین شرط تقيه، طبقه‌بندی وضعیت مخاطبان سخن است، لذا نویسنده‌گان متبحر و سخنوران بلیغ و هوشیار، همواره هنگام ایراد مطالب، نکاتی چون سطوح اندیشه، شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی مخاطبان را رعایت می‌کنند. پاسخ ائمه(ع) را به مخاطبان خویش، در دسته‌بندی سه‌گانه زیر ارائه می‌نماییم.

۲-۱. مباحثات و مناظرات

دوران حضور امام رضا(ع) در طوس، دوره‌ای است که حاکمیت عباسی با اهداف گوناگونی، به راهاندازی مجالس بحث و گفتگوی مسلمانان با دیگر مذاهب اقدام می‌نمود. بنابراین، امام هشتم(ع) در جلسات بین ادیانی، به دنبال اثبات حقانیت اسلام، و در جلسات بین مذاهب اسلامی، در پی بیان حقایق شیعی بودند به نحوی که حاکمان مستمسکی علیه مکتب تشیع نداشته باشند. در نتیجه، امام(ع) در جلسات درون‌دینی که لازم است حفظ جان شیعیان مد نظر باشد، به نحوی که اهل سنت مطابق مشرب خویش برداشت نمایند و شیعه متناسب با مکتب خود، سخن را دو پهلو بیان می‌فرمودند. موضوع زیر یکی از مصاديق راهبرد تقيه‌ای ائمه(ع) است:

- درد چشم و استعمال دارو هنگام روزه

بر اساس برخی از احادیث، استعمال دارو در چشم توسط روزه‌دار بدون اشکال است، مانند حدیثی که از امام صادق(ع) نقل شده است: «کالصحيح منقول است از عبدالله که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه از سرمه روزه‌دار. فرمودند که باکی نیست، زیرا که طعامی نیست که آن را بخورند.» (همو، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۳۷۱)

با توجه به مقدمه مذکور، در خراسان از رضا(ع) نیز سؤال می‌شود آیا می‌توان در ماه رمضان، در چشم کسی که درد دارد، دارو ریخت؟ امام(ع) می‌فرمایند: «هرگاه افطار کند، دارو را بپاشد.»

مجلسی در توضیح این حدیث می‌نویسد: «همیشه مجلس آن حضرت صلوات الله عليه پر بود از علمای اهل سنت. حضرت به عنوانی جواب می‌فرمایند که سنیان موافق مذهب خود و شیعیان موافق مذهب ائمه هدی

بورسی احادیث تقيه از دیدگاه مجلسی اول □ ۲۵

صلوات الله عليهم، بفهمند و محتمل است که مراد این باشد که در شب، دارو بر چشم کند استحباباً.» (همانجا)

۲-۲. جلسات خصوصی

امامان(ع) هر گاه در موقعیتی بودند که فقط یاران خاص ایشان حضور داشتند، حقیقت کامل سخن را مطرح می‌ساختند و احتمال تقيه در چنین مواضعی برطرف می‌شد. اگر بتوان یاران صدیق ائمه(ع) را شناخت و موقعیت بیان احادیث را کشف نمود، می‌توان حکم کرد که یک حدیث به علت آنکه مخاطب از یاران امام(ع) است، فاقد شائبه تقيه است و به آن عمل می‌شود.

- پرسش اختصاصی علی بن جعفر از زکات عبد مکاتب

یکی از یاران خاص امام موسی بن جعفر(ع)، برادر گرامی ایشان، علی بن جعفر(ع) است. وی نزد امام هفتمن(ع) و اندرون خانه ایشان حضور داشت و به همین دلیل، احادیث منقول از وی بدون تقيه است. نمونه‌ای از آنها چنین است:

علی بن جعفر(ع) از امام هفتمن(ع) سؤال می‌کند: «درباره عبد مکاتب، آیا زکات فطره ماه رمضان بر عهده کسی است که با او قرارداد بسته و آیا شهادتش جایز است؟ امام(ع) در پاسخ می‌فرمایند: فطره بر عهده مکاتب است ولی شهادتش جایز نیست.» (همان، ج ۶، ص ۶۶۷) در ادامه، مجلسی به نقل از صدق می‌نویسد: «این پاسخ بر سبیل استفهام انکاری بوده است و مراد امام(ع) این بود که چگونه فطره باشد و شهادتش مسموع نباشد؟»

اما مجلسی در سخن صدق خدشه وارد کرده، آن را عاری از تقيه می‌داند، زیرا «حق این است که تقيه در احادیث علی بن جعفر(ع) کم است چون همیشه در خدمت حضرت بود و اندرون خانه راه داشت. ممکن بود او را که هر سؤالی داشته باشد، در خلوت سؤال کند و از جهت این است که احادیث او از تقيه سالم است.» (همان، ج ۶، ص ۶۶۸)

۳-۲. نامه‌ها

انسان همواره و در همه زمان‌ها به نوشته‌ها، حساسیت و توجه بیشتری داشته است، زیرا یک سند رسمی تلقی می‌شود و نویسنده تلاش دارد به نوعی بنویسد که

۲۶ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸

از هر گونه حساسیت و مشکل‌آفرینی پیشگیری نماید. این موضوع زمانی حساس‌تر می‌شود که نویسنده تحت مراقبت حاکمان سیاسی باشد و هیچ حرکت او از چشم ایشان به دور نباشد.

بنابراین، از دوران امام هشتم^(ع) به بعد که حاکمان عباسی به دنبال اعمال مراقبت شدیدتر بر امامان شیعه بودند و تلاش می‌کردند تا به هر بھانه‌ای ایشان را نزد خویش تحت نظر داشته باشند، نامه‌نگاری‌ها و نامه‌رسانی‌ها با سخت‌گیری‌ها و حساسیت‌های بیشتری رو به رو بود.

برای توضیح مسئله حساس نامه‌ها و پاسخ‌گویی به آن‌ها، سؤال حسین بن سعید از امام هشتم^(ع) را مطرح می‌کنیم. حسین بن سعید سؤال می‌کند هنگام برداشتن تابوت می‌تواند آن را از کدام سو بردارند؟ امام^(ع) در جواب مرقوم می‌فرمایند: «از هر طرف که بخواهند.»

مجلسی در شرح این حدیث، معتقد است اخبار مذبور بدین صورت جمع می‌شود که واجب نبوده، و حمل بر تقیه یا اتقا اظهر است، به خصوص در نامه‌های امام رضا^(ع) تا آخرین امام^(ع) و به همین دلیل، امامان برای جلوگیری از شناسایی شیعیان و آسیب رسیدن به ایشان، نامه‌های خود را با تقیه یا اتقا نوشته‌اند. (همان، ج ۲، ص ۳۱۷)

نتیجه‌گیری

از بررسی نقطه نظرات محمد تقی مجلسی چنین برمی‌آید که:

۱. تقیه، گفتار و رفتار متفاوت با باور حق درونی مؤمنان است که برای حفظ دین و دنیای خود در زمان اضطرار، رخ می‌دهد.
۲. اتقا، تلاش برای حفظ جان و مال برادران دینی، با کتمان حقیقت و اظهار نظری خلاف باور درونی خود است.
۳. بررسی روایات تقیه‌ای و دقت در تعیین جایگاه روایت از حیث تقیه یا اتقا، به فهم دقیق ما از روایت کمک خواهد کرد.
۴. ائمه پس از امام کاظم^(ع)، گاهی نامه‌های خود را با روش اتقای مؤمنان پاسخ داده‌اند.

۵. جایگاه تقيه با ميزان درک و فهم متفاوت مردم، مرتبط است.
۶. شناخت نشانه‌های سندی و متنی از قبيل حضور راوي عامی و امر به سکوت يا ابهام در حدیث، برای تشخیص احادیث تقيه‌ای اهمیت دارد.
۷. احتمال استفهام انکاری در متن حدیث، حاکی از وجود تقيه در حدیث است.
۸. مجلسی، اضطرار را يکی از عوامل رخ دادن تقيه می‌داند. مصاديقی چون حضور امام باقر(ع) در نماز جمعه، حاکی از تقيه است.
۹. حضور مخاطبان متعدد با دیدگاه‌های فکری و مذهبی مختلف در مجالس امامان(ع)، از موجبات بروز تقيه آنان بوده است.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*؛ ج ۳، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۳. خطیب، عبدالکریم؛ *تفسیر القرآنی للقرآن*؛ بی جا، بی تا، (با استفاده از نرم افزار جامع تفاسیر نور).
۴. شهید اول، محمد بن مکی عاملی؛ *القواعد و الفوائد*؛ تصحیح سید عبدالهادی حکیم؛ الطبعة الاولى، قم: مکتبة المفید، بی تا.
۵. صدوق، ابو جعفر محمد بن علی (ابن بابویه)؛ *من لا يحضره النعیم*؛ علی اکبر غفاری، ج ۱، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵.
۶. صفری، نعمت الله؛ *نقش تفییه در استنباط*؛ ج ۱، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱ش.
۷. طباطبائی، سید محمد حسین؛ *تفسیر المیزان*؛ ترجمة سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۵، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۴ش.
۸. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر؛ *جامع البيان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۱، بیروت: دار المعرفة، بی تا.
۹. عمیدی، ثامر هاشم حبیب؛ *واقع التفییه عند المذاہب الاسلامیة من غير الشیعة الامامیة*؛ قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۶ق.
۱۰. عیاشی، محمد بن مسعود؛ *کتاب التفسیر*؛ تصحیح / تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.
۱۱. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ *العین*؛ ج ۲، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ق.
۱۲. قمی، علی بن ابراهیم؛ *تفسیر قمی*؛ ج ۴، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، قم: دار الکتاب، ۱۳۶۷ش.
۱۳. مجلسی، محمد تقی؛ *روضۃ المتنین فی شرح من لا يحضره النعیم*؛ ج ۱، قم: العلمیه، ۱۴۱۰ق.
۱۴. —————؛ *لوامع صاحب قرانی المشتهر بشرح الفقیه*؛ ج ۱، قم: مؤسسه دار التفسیر، ۱۳۷۶ش.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر؛ *پیام امام شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه*؛ ج ۱، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.

